کارگران همه کشورها متحد شوید !

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۳۵، دوره هشتم
سال بیستم، ۱۰ فروردین ۱۳۸۵

هدف ارتجاع تفرقه در جنبش کارگری است

کارگران و زحمتکشان میهن ما، سال نو را در اوضاعی آغاز کرده اند که توطئه های هدفمند رژیم ولایت فقیه برای مهار و سرکوب جنبش کارگری و محدود کردن تشکل های مستقل صنفی ابعاد بسیار گسترده و خطرناک به خود گرفته است. پس از آنکه وزارت کار و امور اجتماعی با مداخله مستقیم و بعنوان نماینده دولت در شورای عالی کار میزان حداقل دستمزدها را برای سال ۸۵ بسود کارفرمایان و کلان سرمایه داران تعیین کرد، مسئولین این وزارت خانه به ویژه شخص محمد جهرمی برنامه اصلاح قانون کار در جهت تامین امنیت سرمایه را تحت عناوین مختلف دنبال کرده و در این زمینه به اقدام های متعددی دست زده اند. اکنون تبلیغات بسیار وسیع و مغرضانه ای علیه منافع کارگران توسط رژیم و وزارت کار دولت احمدی نژاد صورت می گیرد. جهرمی وزیر کار و عامل شورای نگهبان و عناصری چون جنتی و مصباح یزدی طی سخنانی رسماً اعلام داشت: «قانون فعلی کار ایران بر گرفته از قوانین کمونیستی است و باید با فرهنگ اسلامی تطبیق و اصلاح شود.» وزیر کار با این گونه تبلیغات دروغین و زهر آگین می کوشد، سیاستی را که ارتجاع دو دهه قبل به علت حضور قدرتمند طبقه کارگر در صحنه نتوانست عملی سازد، باردیگر طرح و به مورد اجرا در آورد.

در ابتدای انقلاب مرتجعان کوشیدند با تدوین قانونی ضد کارگری که به قانون کار توکلی وزیر کار وقت شهرت یافت،کارگران را از هر گونه

ادامه در صفحه ۳

بیانیه شورای امنیت درباره ایران

در آخرین لحظاتی که روزنامه برای انتشار آماده می شد مطلع شدیم که پس از هفته ها بحث و گفت و گو سرانجام اعضای دایمی و دیگر اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد بر سر انتشار بیانیه یی درباره پرونده هسته یی ایران به توافق رسیدند. بر اساس گزارش خبرگزاری «دانشجویان ایران» (ایسنا) در بیانیه از جمله آمده است که: «شورای امنیت با نگرانی جدی گزارش‌ها و قطعنامه‌های بسیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را که توسط مدیرکل آژانس به آن گزارش شده... مورد توجه قرار می‌دهد. شورای امنیت همچنین با نگرانی جدی خاطرنشان می کند که گزارش فوریه مدیرکل شماری مسائل و نگرانی‌های مهم و برجسته را (در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران) از جمله موضوعاتی که ممکن است جنبه نظامی هسته‌ای داشته باشند، ذکر کرده است و همچنین در این گزارش آمده که آژانس قادر نیست نتیجه‌گیری کند که هیچ مواد یا فعالیت هسته‌ای اعلام نشده‌ای در ایران وجود ندارد.»

بیانیه پس از این اظهار نگرانی ها اعلام می کند که: «شورای امنیت از ایران می‌خواهد اقدامات درخواستی شورای حکام بویژه درخواست‌های مطرح در نخستین بند ایجابی قطعنامه (۱۴/۲۰۰۶) که برای اعتمادسازی نسبت به هدف صرفا صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای تهران و نیز حل و فصل مسائل مهم باقیمانده در ارتباط با این برنامه ضروری است، انجام دهد.

شورای امنیت در این ارتباط بر ضرورت برقراری دوباره تعلیق کامل و پایدار تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری در ایران از جمله فعالیت‌های تحقیقات و توسعه، تاکید می‌کند که این (تعلیق) توسط آژانس راستی‌آزمایی خواهد شد.» بیانیه در انتها ضرب الاجل ۳۰ روزه یی را برای پاسخ دهی ایران و تعلیق فعالیت های غنی سازی ایران تعیین کرده است.

صدور بیانیه شورای امنیت پس از هفته ها بحث و اختلاف نظر درمیان ۱۵ عضو شورای امنیت، از جمله پنج عضو دایمی این شورا با هدف مشخص اتمام حجت با رژیم ولایت فقیه پیش از برداشتن گام بعدی صادر شده است. اخبار منتشر شده درباره کنفرانس وزرای امور خارجه و مقامات شش کشور شرکت کننده در کنفرانس برلین (آلمان، انگلیس، چین، روسیه، آمریکا و فرانسه)در این راستا بسیار گویا و روشن است. «فرانک والتر اشتاین مایر» وزیر امور خارجه آلمان در باره مواضع اتخاذ شده از جمله گفت: «ایران دو راه در پیش دارد یا اینکه به غنی سازی در خاک خود ادامه دهد و این به معنای نقض تعهدات بین المللی و همچنین انزوای بیشتر ایران است و یا اینکه به گفتگوها

ادامه در صفحه ۶

ارتجاع و حقوق تاریخی مردم ایران
یادی از ۲۹ اسفند ماه ، سال روز ملی شدن صنعت نفت ایران

امسال در وضعیتی بسیار متفاوت نسبت به سال های گذشته مردم و نیروهای مترقی و آزادیخواه به استقبال ۲۹ اسفند ماه، سال روز ملی شدن صنعت نفت رفتند. بحران بر سر مسأله هسته ای و سیاست های ماجراجویانه ارتجاع از سویی و برنامه های مداخله گرایانه امپریالیسم جهانی از دیگر سو، اوضاع نگران کننده ای را بر میهن ما تحمیل کرد که بزرگداشت رخداد تاریخی ملی شدن صنعت نفت تحت تاثیر آن قرار داشت. به ویژه اینکه مرتجعان حاکم برای پیشبرد اهداف ضد ملی خود دست به ترفند جدیدی زدند که عبارت بود از یکسان تبلیغ کردن مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت با دسترسی به فن آوری هسته ای، این امر اولین بار توسط علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی

ادامه در صفحه ۲

در این شماره

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه» !

ادامه ارتجاع و حقوق تاریخی ...

وسپس در بیانیه ۸ ماده ای احمدی نژاد، در سالگرد انقلاب بهمن، طرح و توسط نهادها و ارگان های مختلف رژیم ولایت فقیه به شکل گسترده در سطح جامعه مورد تبلیغ قرار گرفت. در این باره ضمن تاکید بر حق قانونی و مشروع ایران مبنی بر دستیابی به فن آوری هسته ای و استفاده صلح آمیز از آن، رخداد تاریخی ملی شدن صنعت نفت ایران که در ماهیت خود ادامه مبارزات ملی و ضد استعماری مردم میهن ما بود، به هیچ رو قابل مقایسه با وضعیت امروز و اقدام های رژیم در ارتباط با مساله برنامه هسته ای نیست و نمی تواند باشد. جنبش عظیم و مردمی ملی کردن صنعت نفت، در کنار انقلاب بهمن ۱۳۵۷، دو رویداد تعیین کننده در حیات سیاسی کشور پس از انقلاب مشروطه به شمار می آیند وهریک متکی به نیروی پرتوان و سازمان یافته مردمی بودند. بر خلاف مدعیات ارتجاع و تحریف هدفمند تاریخ از سوی آن ،ملی شدن صنعت نفت ارتباط مستقیم با تامین حاکمیت ملی و استقلال کشور در مقابل امپریالیسم و نفوذ گسترده آن داشت. به بیان روشن و دقیق مردم ایران ونیروهای سیاسی مدافع منافع آنها نظیر حزب توده ایران و جبهه ملی ایران درگیر نبردی سرنوشت ساز با استعمار بودند. مردم بر خلاف اوضاع فعلی در سرنوشت سیاسی مستقیم و غیر مستقیم با توجه به امکانات آن زمان دخالت و تاثیر داشتند. شرایط کلی همچون حضور و تاثیر فعال مردم در حیات سیاسی اجتماعی فراهم بود .نیروی سازمان یافته توده ها که خواستار تامین حق حاکمیت ملی،آزادی و عدالت اجتماعی بودند ضامن اصلی مبارزه و سپس پیروزی در راه ملی کردن صنعت نفت بود. در همین زمینه دکتر مصدق، نخست وزیر ملی و قانونی که توسط امپریالیسم (آمریکا و انگلستان) تنها به جرم دفاع از حقوق تاریخی مردم ایران با کودتای ننگین ۲۸ مرداد سرنگون شد، اشاره می کند: «مبارزه ای که ملت ایران کرد... از نظر تحصیل پول نبود بلکه برای به دست آوردن آزادی و استقلال تام بود» [به نقل از کتاب خاطرات و تالمات دکتر مصدق صفحه ۳۶۵]. به این ترتیب در مقام مقایسه قراردادن جنبش مردمی در راه ملی کردن صنعت نفت با دسترسی به فن آوری هسته ای آنهم با سیاست های ماجراجویانه ارتجاع حاکم از پایه و اساس غلط و نادرست است در اینجا لازم است به یک نکته مهم دیگر در ارتباط با ملی شدن صنعت نفت و تاریخچه آن اشاره کنیم. به موازات تبلیغ اینکه مساله فن آوری هسته ای و جنبش ملی کردن صنعت نفت یکی توسط دولت مصدق و به یاری مردم و دیگری به وسیله دولت جمهوری اسلامی، هر دو مبارزات ملی و ضد استعماری هستند. اینچنین گفته و نوشته می شود که اولین بار طرح ملی کردن صنعت نفت توسط نیروهای مذهبی آیت الله کاشانی و فدائیان اسلام اعلام شده است. این دروغ پردازی های شگفت آور و در عین حال مشمئز کننده اتفاقاً از سوی جریانانی مطرح می شود که در کارنامه تاریخی آنها مواردی چون همکاری و همدستی با امپریالیسم انگلستان و حمایت و پشتیبانی از کودتای ۲۸ مرداد کم نیست. به هر روی هدف این تحریف تاریخ، خاک به چشم مردم و نسل جوان پاشیدن است. طرح ملی کردن صنعت نفت به گواهی تاریخ نخستین بار توسط زنده یاد دکتر حسین فاطمی عنوان گردید.در سال ۱۳۲۸ در جلسه ای در خانه دکتر محمود نریمان که یکی از شاخص ترین و شجاع ترین شخصیتهای ملی و مردمی میهن ما قلمداد می شود، برای اولین بار دکتر حسین فاطمی جزئیات و چگونگی ملی شدن نفت را مطرح ساخت و به دنبال آن مبارزه در راه به رسمیت شناخته شدن حاکمیت ملی ایران بر منابع سرشار نفت آغاز شد . حضور موثر مردم ونیروهای مردمی در صحنه سیاسی ضمانت پیروزی بزرگ و تاریخی ۲۹ اسفند ماه بود.

در این خصوص آیا آنها که برنامه هسته ای و در واقع سیاست های رژیم ولایت فقیه را در مقام مقایسه با جنبش ملی کردن صنعت نفت قرار می دهند. زمینه ها و شرایط لازم را برای حضور موثر مردم و نیروهای سیاسی مترقی و آزادیخواه در صحنه سیاسی فراهم ساخته اند و یا اینکه با دستاویز قرار دادن برنامه هسته ای سیاست سرکوب و خفقان و فضای بسته سیاسی را به زعم خود ماهرانه پیش می برند؟! مرتجعان حاکم در زمینه نگاهداری از صنایع نفت و گاز کشور و در واقع تامین حقوق و حاکمیت ملی ایران درست خلاف تبلیغات خود عمل می کنند، درباد کرد از سال روز ملی شدن صنعت نفت نگاهی گذرا به وضعیت کنونی صنایع نفت کشور و سیاست های رژیم ولایت فقیه در ارتباط با آن برای آنکه چهره واقعی ارتجاع افشاء شود ضرور و با اهمیت است.

*** صنعت نفت و برنامه خصوصی سازی رژیم ولایت فقیه:**

صنعت نفت ایران به عنوان منبع اصلی در آمدهای ارزی کشور از جایگاهی بی بدیل در اقتصاد ملی و نیز تامین حقوق و حاکمیت ملی کشور برخوردار است، اما این صنایع کلیدی و استراتژیک بر اثر سیاست های رژیم ولایت فقیه با مسایلی جدی، پیچیده و در عین حال نگران کننده روبروست. سیاست هایی که پس از پایان جنگ هشت ساله با عراق، توسط رفسنجانی به دستور صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در عرصه اقتصادی تدوین و اجرا شد و در دوران محمد خاتمی ادامه یافت، صنعت نفت و بطور کلی حاکمیت ملی بر منابع و ذخایر نفت و گاز را با چالش های خطر ناک روبرو ساخته است. به عبارت دقیق رژیم ولایت فقیه بر خلاف شعارهای تبلیغاتی و مقایسه برنامه هسته ای با جنبش ملی شدن صنعت نفت، برنامه خصوصی سازی و پایان دادن، تاکید می کنیم پایان دادن به صنعت نفت ملی را دنبال می کند. در حال حاضر بر اثر برنامه های رژیم در بخش های زیادی همچون توان مالی ، مدیریت اجرایی، استفاده از دانش فنی روز استقلال و ملی بودن صنعت نفت عملاً و رسماً زیر علامت سئوال قرار گرفته است. در این باره چندی پیش یکی از کارشناسان نفتی کشور در مصاحبه با خبرگزاری ایلنا صراحتاً اعلام داشت: «صنعت نفت ایران بعد از گذشت نیم قرن هنوز مستقل از شرکت های خارجی نیست ملی شدن صنعت نفت را می توان از میزان تصمیم گیری، اداره و استقلال یک کشور سنجید.» وی سپس می افزاید: «متاسفانه بسیاری پروژه ها اسماً به نام پیمانکاران ایرانی ثبت شده، در حالی که مدیریت پروژه ها وابسته به خارج است...که این خود باعث کاهش درصد مشارکت ایرانی شده و وابستگی ایران به منابع داخلی را کوتاه کرده است... خصوصی سازی شرکت ملی نفت به صلاح کشور نیست... »

از دیگر سو در آستانه سال روز ۲۹ اسفند ماه و ملی شدن صنعت نفت ایران، گروهی از کارکنان صنعت نفت و نیز انجمن اسلامی صنعت نفت اهواز در اقدامی شایان توجه با انتشار بیانیه ای مخالفت کارگران و کارکنان آگاه و هوشیار صنعت نفت ایران با برنامه خصوصی سازی این صنایع را اعلام کردند. این اقدام سنجیده و کاملاً درست تحت عنوان مخالفت با بند هـ تبصره ۱۱ بودجه سال ۱۳۸۵ که توسط دولت احمدی نژاد تهیه گردیده و در مجلس رژیم به تصویب رسیده و اخیراً هم شورای نگهبان آن را تایید کرده، اعلام شده است. خبر گزاری ایلنا به تاریخ ۲۱ اسفند ماه این خبر را انتشار داد. در بخشی از این بیانیه آمده است: «بهره مالکانه در تابستان ۱۳۸۳ در قالب بند سوم برنامه چهارم توسعه مطرح شد، ولی توسط نمایندگان مجلس هفتم حذف شد، علی رغم مخالفت کارشناسان با این مساله، اکنون با کمال تعجب شاهد تکرار آن در بند هـ تبصره ۱۱ بودجه سال ۱۳۸۵ هستیم.» در این بیانیه ضمن مخالفت با طرح بهره مالکانه که چیزی جز خصوصی سازی نیست، تاکید می گردد: «به رسمیت شناختن تولید نفت توسط شرکت های غیر ملی (بخوان خصوصی و فرا ملی) و پیمانکاران داخلی و خارجی و مجوز انعقاد قرار داد با پیمانکاران داخلی و خارجی برای تولید از مخازن کشور خلاف قانون اساسی است بر اساس طرح بهره مالکانه (خصوصی سازی) شرکت ملی نفت ایران از یک نماد تاریخی صنعت ملی نفت به شرکتی پیمانکار و حق العمل بگیر تبدیل می شود و وابستگی به بیگانگان را به دنبال خواهد داشت.»

علاوه بر این گزارشات مختلفی حاکی از مخالفت های گسترده با طرح بهره مالکانه یا خصوصی سازی شرکت ملی نفت در میان کارکنان و کارشناسان این صنعت در لابه لای مطبوعات به چشم می خورد این اعتراض ها فقط محدود به استان خوزستان نیست بلکه اخیراً مخالفت های کارکنان صنعت نفت در جزیره خارک، در جزیره لاوان، در پالایشگاه کرمانشاه

ادامه در صفحه ۳

ادامه هدف ارتجاع اختلاف در جنبش ...

حمایت قانونی محروم سازند و تجار و دلالان را بر زندگی و کار آنها مسلط سازند. در آن زمان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان با هدایت و رهبری حزب خود، حزب توده ایران پاسخ شایسته را به توکلی و توکلی ها دادند، اینک پس از گذشت بیش از دو دهه و بر اثر اوضاع نامساعد داخلی و خارجی ارتجاع درصدد انتقام از زحمتکشان و نابودی امنیت شغلی و منافع آنهاست. اما علی رغم این، در چهار گوشه کشور صدای اعتراض و مخالفت با برنامه های رژیم ولایت فقیه در میان زحمتکشان به وضوح قابل مشاهده است.

در این خصوص به گزارش خبر گزاری ایلنا به تاریخ ۲۶ اسفند ماه سال گذشته، رییس کانون انجمن های صنفی کارگران نانوایی کشور ضمن مخالفت با برنامه تغییر و اصلاح قانون کار خاطر نشان ساخت: «سخن گفتن از اصلاح قانون کار که از سوی مسئولان فعلی متصل به جناح سنتی بازار وزارت کار مطرح می شود ، تعجب آور نیست، وزیر کار جمهوری اسلامی، قانون کار را قانونی کمونیستی می داند که به درد کشورهای اسلامی نمی خورد... این جنجال ها برای از بین بردن حداقل های کارگران است و منظور مطرح کنندگان از اصلاح قانون کار، از بین بردن قانونی است که مسئولان وزارت کا ربه درستی اجرا نکرده اند.» وی سپس افزوده است: «شما (وزیر کار و همدستان او) نمی دانید تولید چیست، چطوراز اصلاح قانون کار سخن می گویید، خواسته کارگران دستمزد خوب و امنیت شغلی است و نباید اعتراض های کارگری را جنبه امنیتی داده و آنان را مخالف انقلاب توصیف کرد... کارگر برده نیست و حق حیات دارد، تمدید ماده ۱۹۱ کار در خصوص خروج کارگاه های زیر ۱۰ کارگر از شمول برخی از مواد قانون کار در راستای منافع جناح سنتی بازار بود،برخی کارهای وزارت کار مانند تعیین ۳۰ هزار تومان به عنوان حاشیه امنیت شغلی کارگران قرار داد موقت برای فریب است ،با این ترفند کارگران را گول نزنید، بلکه امنیت شغلی کارگر را تامین کنید...»

به علاوه در اواخر اسفند ماه سال قبل، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران وحومه با انتشار اطلاعیه ای بر وضعیت وخیم کارکنان این شرکت و مجموعه زحمتکشان در ارتباط با مسایل صنفی تاکید کرده و خواست هایی نظیر آزادی کلیه کارگران بدون استثناء و افزایش و ترمیم دستمزد و حقوق کارگران و حضور نمایندگان واقعی کارگران در کمیته تعیین دستمزد و حقوق را مطرح ساخت. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «تا به امروز نه تنها مشکلی از مشکلات این قشر زحمتکش و آسیب پذیر حل نشده، بلکه از کارکردن تمام اعضای هیات مدیره و فعالان سندیکایی جلوگیری به عمل آمده و هیچ یک از مسئولین پاسخ گوی رانندگان معترض نمی باشند و حتی احکام اخراجشان را نیز تحویل نداده اند و ادارات کار نیز هیچ توجهی در رابطه با شکایت کارگران نکرده و حتی از دادن رسید برای شکایت ایشان نیز ممانعت به عمل می آورند. کارفرما بدون برگزاری کمیته تخلفات تعداد چهل و شش نفراز اعضای هیات مدیره و فعالان سندیکا را اخراج نموده و با اعلام این که تنها با امضاء تسویه حساب احکام اخراج را تحویل می دهد عمل می کنند.»

در پایان اطلاعیه، سندیکای شرکت واحد خواست های کارگران را چنین اعلام می دارد: الف آزادی بدون قید و شرط همکاران سندیکایی(نام ۸ فعال سندیکایی از جمله رییس هیات مدیره آقای اسانلو ذکر شده).

ب بازگشت به کار کلیه فعالان سندیکا که از تاریخ دستگیری تا به حال در حالت تعلیق از کار به سر می برند.

ج ترمیم دستمزد و حقوق وحضور نمایندگان واقعی کارگران در کمیته تعیین دستمزد و حقوق.

البته این خواست های به حق و کاملاً صنفی رفاهی از سوی رژیم و ارگان های مربوطه نا دیده گرفته شده است. در مقابل چنین اعتراض هایی رژیم ولایت فقیه و دولت بر گمارده ولی فقیه دولت احمدی نژاد سیاست فریب و ایجاد تفرقه را در پیش گرفته اند. طرح مسایلی چون ایجاد حاشیه امنیت شغلی برای کارگران قرار داد موقت و اعلام اینکه با این طرح پایه دستمزد کارگران قراردادی در سال ۱۳۸۵ ،بیش از ۱۸۰ هزار تومان ماهیانه خواهد بود، چنین تبلیغ می کنند که کارگران قرار داد موقت در اثر توجه جامعه اسلامی کارگران و وزارت کار بیش از کارگران رسمی حقوق دریافت می کنند. به طور مثال یکی از اعضای تشکل ماوراء ارتجاعی جامعه اسلامی کارگران در خصوص مساله قراردادهای موقت به خبرگزاری ایلنا به تاریخ ۲۱ اسفند ماه گفته است: «به موجب مصوبه شورای عالی کار و حمایت های وزیر کار از ابتدای سال به تمامی کارگران قرار داد موقت صرف نظر از نوع فعالیت مستمر، غیر مستر و پیمانی ۳۰ هزار تومان بابت حاشیه امنیت شغلی اضافه تر از ۱۵۰ هزار تومان پایه حقوق ماهیانه پرداخت می شود، حالا ما می توانیم بگوییم بر خلاف سال های گذشته، نمایندگان کارگران (بخوان وزیر کار و عواملش) توانستند کارگران موقت را یک گام به سوی داشتن وضعیت بهتر نزدیک کنند.» در عین حال با برنامه رژیم سعی می شود بدنه جنبش کارگری سندیکایی با مانورهای مشخص به چند بخش تجزیه شده و تفرقه بر این جنبش سایه افکند. تشخیص درست آماج های ارتجاع، افشاء به موقع آن برای توده های وسیع کارگران در حال حاضر از اهمیت جدی برخوردار است. هدف ارتجاع نابودی حقوق و دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است و جهرمی به همین دلیل بر مسند وزارت کار گمارده شده. نباید اجازه داد زحمتکشان در دام مانورهای فریبکارانه گرفتار آیند. نباید حتی یک لحظه فراموش کرد که قصد و آماج نهایی بر خلاف برخی اقدام های حساب شده، در هم کوبیدن جنبش کارگری و تامین منافع تجار عمده و کلان سرمایه

ادامه ارتجاع و حقوق تاریخی مردم ...

و تبریز به صفحات مطبوعات مجاز راه پیدا کرده است. در این مورد انحصارات فراملی و دولت های امپریالیستی از سویی رژیم را به خصوصی سازی تشویق می کنند به طور نمونه یکی از مدیران ارشد انحصار فراملی رویال داچ شل (انگلیسی هلندی) اعلام کرده بود در صورت تغییرات مثبت در صنعت نفت ایران (یعنی خصوصی سازی)شرکت های مختلف از جمله شل حاضر خواهند شد در چارچوب برنامه های جمهوری اسلامی مبنی بر جذب سرمایه گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری طی کمتر از ۱۰ سال اقدام کنند و از دیگر سو با دستاویز قرار دادن بحران هسته ای و سیاست های ضد ملی دولت احمدی نژاد، شرایط اسارت بار خود را هنگام عقد قراردادهای نفتی به جمهوری اسلامی تحمیل می کنند. پایگاه خبری روزنا، وابسته به حزب اعتماد ملی، به تاریخ ۲۷ اسفند ماه در این زمینه گزارش داد: «قراردادهای نفتی ایران در بلاتکلیفی.کمپانی های بزرگ نفتی جهان که نسبت به تبعات احتمالی ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت نگران هستند. پروژه های چند میلیارد دلاری خود در ایران را تا روشن شدن تکلیف پرونده ایران معلق نگاه داشته اند.» زیر فشار انحصارهای فراملی و سیاست های مخرب رژیم ولایت فقیه ایران قدرت تولید و صدور نفت خود را گام به گام از دست می دهد. به گزارش ماهانه اوپک، تولید نفت ایران در ماه بهمن پارسال (۱۳۸۴) با ۲۶ هزار بشکه در روز کاهش نسبت به ماه قبل مواجه شده و به ۸۰۲ میلیون بشکه در روز رسیده است. به این ترتیب اصلی ترین منبع درآمد ملی کشور بر اثر سیاست های ارتجاع در وضعیتی سخت نگران کننده قرار گرفته است. برنامه خصوصی سازی صنعت نفت که مقدمه آن بند هـ تبصره ۱۱ برنامه بودجه سال ۱۳۸۵ است، سبب نقض حاکمیت ملی ایران بر منابع نفت و گاز می شود، منابعی که با جنبش بزرگ ملی شدن از سلطه امپریالیسم خارج شده بود. حال با توجه به این وضعیت می توان سیاست های ارتجاع در خصوص پرونده هسته ای را با جنبش ملی شدن نفت و مبارزات ملی و آزادیخواهانه مردم ایران مقایسه کرد؟!



ضرورت تشدید مبارزه برای آزادی برای همه زندانیان سیاسی

رسانه های گروهی، در آستانه عید نوروز، خبر از آزادی دو تن از زندانیان سیاسی و بازگشت آنها به آغوش خانواده های خود دادند. اولین خبر مربوط به رهایی عبدالفتاح سلطانی می شد، که بدون دلیل قانع کننده ای به مدت ۲۱۹ روز بدون ملاقات در بند معروف ۲۰۹ زندان اوین زندانی بود. عبدالفتاح سلطانی پیش از دستگیری و اسارتش وکیل مدافع بسیاری از زندانیان سیاسی و دربند بود. درواقع زندانی کردن وی نیز به همین دلیل و به خاطر پیگیری پرونده های موکلین خود بود. امری که مانند مورد ناصر زرافشان وکیل خانواده های پرونده قتل های زنجیره ای، که هم اکنون زندانی است، یک بار دیگر نشان داد که در ایران استبداد زده حتا وکلا نیز در پیگیری پرونده های موکلین خود، از امنیت شغلی در امان نیستند. و باید هر لحظه با زندان و محرومیت روبرو شوند.

مورد دوم آزادی موقت اکبر گنجی روزنامه نگار زندانی، بود که پس از شش سال جمعه گذشته از زندان خارج شد و به منزل خود بازگشت. البته مقامات و مسئولین زندان، بی آن که جای شبهه ای بگذارند، در مورد اکبر گنجی اعلام کردند که وی تنها به یک مرخصی هفت روزه می رود.

محمود سالارکیا، معاون دادستان تهران در امور زندانها نیز در این باره به خبرنگار حقوقی ایسنا گفت: با توجه به فرا رسیدن سال جدید و برای این که اکبر گنجی در کنار خانواده باشد، مرخصی یک هفته ای به او داده شد و آزادی قطعی وی با احتساب این هفت روز مرخصی، در تاریخ ده فروردین هشتاد و پنج خواهد بود.

اکبر گنجی به جرم شرکت در کنفرانس برلین در شش سال قبل پس از بازگشت به کشور دستگیر و در یک دادگاه غیر عادلانه به زندان طولانی مدت محکوم گردید. البته واقعیت این است که اکبر گنجی را که روزنامه نگار است، به خاطر افشاگری هایش پیرامون قتل های زنجیره ای در سال ۷۹ دستگیر کردند. وی در آن زمان، در مقالات متعددی، وزارت اطلاعات را با قتل های سیاسی مرتبط دانسته و با ارایه دلایل و شواهدی، افشاگر این بود که توطئه قتل های روشنفکران و فعالان سیاسی، نه کار یک گروه خودسر و وابسته به عوامل خارجی بلکه ادامه شیوه و روشی است که به فرمان و دستور مقامات بالای رژیم صورت گرفته است. شیوه افشاگری که بعدها به عالیجناب سرخپوش و دولت در سایه معروف شد.

انتشار این اخبار در کنار خبر آزادی عده ای از فعالان دستگیر شده سندیکای شرکت واحد، که بی شک در سایه همبستگی و مبارزه نیروهای آزادیخواه و مترقی، به ویژه پیکار کارگران شرکت واحد در دفاع از همکاران خود، صورت گرفت. موجی از شادی در بین مردم ایجاد کرد.

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را باید تشدید کرد و شعار «آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی» را باید به یکی از خواسته های اصلی در مبارزه با رژیم استبدادی تبدیل کرد. چرا که هنوز زندانیان سیاسی زیادی دربند هستند. هنوز از آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی دیگر که به طور عمده شامل دانشجویان، روزنامه نگاران و کارگران مبارز می شود، خبری نیست. برخی از چهره های معروف زندانیان سیاسی که می توان نام برد عبارتند از: ناصر زرافشان (وکیل مدافع خانواده های مقتولین در قتل های زنجیره ای)، پیمان پیران، مجتبی سمیعی نژاد (از جمله وبلاگ نویسانی است که در جریان پروژه برخورد با وبلاگ نویسان بازداشت شده است)، منوچهر و اکبرمحمدی (فعالان دانشجویی)، آرش سیگارچی (سردبیر سابق روزنامه گیلان امروز و وبلاگ نویس)، حشمت الله طبرزدی (۱۶ سال حبس تعزیری محکوم شده است)، الهام افروتن، منصور اسانلو (رییس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران)، داود رضوی، بینا داراب زند، بهروز جاوید تهرانی و خالد حردانی و... علاوه بر این صدها تن دیگر از زندانیان سیاسی در شهرستان ها، در زندانهای مختلف دربند هستند و پشت دیوارهای بلند انتظار آزادی خود را می کشند.

نمی توان از زندانیان سیاسی سخن راند و به دو نمونه اخیر آن هم در بازداشت های گروهی و جمعی اشاره نکرد. در هفته های گذشته بیش از ۱۱۰۰ تن از کارگران و رانندگان شرکت واحد در جریان اعتصاب برای احقاق حقوق صنفی خود بازداشت گردیده و روانه اوین شدند. هم چنین در جریان سرکوب دراویش در قم نیز بر اساس اخبار رسمی دولت احمدی نژاد، نزدیک به ۱۲۰۰ نفر بازداشت و به مکان های نامعلومی انتقال یافته اند. این بازداشت ها و دستگیری ها خود از شیوه های جدید حکومتی برای بستن دهان ها و سرکوب مردم می باشد. بنابر این باید ضمن محکوم کردن این نوع اقدامات برای رهایی همه زندانیان سیاسی هم چنان تلاش کرد. حزب توده ایران هم صدا با همه احزاب و نیروهای آزادیخواه، خواهان آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و بازگشت آن ها میان خانواده های آنان است. باید به مبارزه خود در این زمینه هم چنان ادامه داد.

تاسیس «شورای حقوق بشر» یک گام بسیار مهم و ضرور

در هفته گذشته مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای به تصویب رساند که در آن تشکیل شورای جهانی حقوق بشر سازمان ملل، اعلام گردید. این شورا درواقع به جای "کمیسیون حقوق بشر" این سازمان بین المللی است که از زمان تاسیس سازمان ملل پس از جنگ جهانی دوم در این زمینه فعالیت می کرد. این اقدام یک قدم مهم و ضرور در جهت تثبیت و گسترش ایده حقوق بشر در جهان می باشد.

از آن رو که فعالیت های "کمیسیون حقوق بشر" در گذشته به شکل فرعی و جنبی بوده و بیشتر به نظارت و توصیه محدود می شد، از مدت ها پیش تغییر ساختار این کمیسیون در سازمان ملل مطرح بود. بنابر این وظیفه اصلی شورای حقوق بشر ارتقای هماهنگی موثر و تعیین روند کلی حقوق بشر در جهان است. زیرا به نهادینه کردن امر حقوق بشر کمک کرده و ساختار آن را جنبه قانونی و رسمی می دهد. البته تا نهادینه کردن این شورا و پیگیری امور حقوق بشر توسط آن راه درازی باقی است. و موفقیت این امر به همکاری واقعی همه دولت ها و کشورها که اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضاء کرده اند، بستگی دارد. ولی توافق اغلب کشورها در مجمع عمومی سازمان ملل برای تشکیل شورای حقوق بشر و حمایت از این ایده، خود نشان دهنده اهمیت و مرکزی بودن موضوع حقوق بشر در جهان می باشد.

اعضای این شورا به گونه ای متناوب و دموکراتیک از سوی همه کشورهای عضو سازمان ملل انتخاب می شوند. قرار است که این شورا در طی پنج سال آینده به یک رکن اساسی جامعه بین المللی در حراست از صلح، امنیت و حقوق بشر تبدیل گردد. هدف نهایی از تشکیل شورای حقوق بشر، این است که وزن و نقش این شورا زمانی برابر باشد با نقش شورای امنیت یا شورای اقتصادی- اجتماعی سازمان ملل. برای عضویت در این شورا کسب دو سوم آرا اعضای سازمان ملل لازم خواهد بود. این امر می تواند مانع از آن گردد که آن دسته از دولت هایی که خود ناقض حقوق بشر هستند، به عضویت آن درآیند و بر روند کار شورا تاثیر منفی بگذارند. زیرا یکی از شرط های مهم این است که کشورها دارای بالاترین معیار در ارتقا و حراست از حقوق بشر را دارا بوده و در دوره عضویت در شورا پرونده عملکرد خود را در این زمینه در معرض قضاوت افکار عمومی جهان قرار دهد. در صورت نقض عمده و کارشکنی، عضویت آن ها به تعلیق در خواهد آمد. این امر در کمیسیون ممکن نبود. لازم به یادآوری است که آمریکا با تشکیل شورای حقوق بشر مخالفت نشان داد. دولت این کشور اعلام کرد که نگران است که عملکرد شورا در آینده به ضرر آمریکا تمام خواهد شد و این

ادامه در حاشیه رویدادهای

کشور در زمینه هـای مختلف به خصوص مساله عدم رعایت صلح، امنیت و حقوق بشر، مـدام مـورد محکومیت قرار گیرد.علاوه بر این این شـورا در تـمام سال جلسـاتی خواهد داشت و به گونه مستقیم بر رعـایت و اجـرای اصـول منعکس شده در منشور جهانی حقوق بشر نظارت خـواهـد کرد. این امـر در کمیسیون بسیار کند انجام می شد و اغلب با تبانی و کار شکنی برخی از کشـورهـا روبـر بـود. آن هـا به راحتی می توانستند، بر کمیسیون تاثیر بگذارند و در مقابل آن مانع ایجاد کنند.

کوفی‌عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد، به منـاسبت تصـویب قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره تشکیل شورای حقوق بشر، اعلام کرد: «من تشخیص دادم که کمیسیون فعلی حقوق بشر راه خود را گم کرده بود، خیلی زیاد به اجلاسی تبـدیل شـده بـود که ناقضان حقوق بشر تبانی می‌کردند، پشت سر یکـدیگر مخفی شـونـد و بسیـار انـدک از آنچه بـایـد بـاشـد، بـاقی مـانـده بـود یعنی رکنی فعال برای ارتقای احترام به حقوق بشر در سراسر دنیا. هم چنین قطعنامه تاسیس شورای حقوق بشر به این تـوجه کـرده که تـوسعه، صلح و امنیت و حقوق بشر ستون‌های نظام سازمان ملل متحد هستند و متقابلا بر یکدیگر تاثیر‌گذارند.

کشورهای عضو سازمان ملل متحد بـا اکثـریت قـاطعی تـشکیل شورای حقوق بشر را که هـدفش تقویت فعالیتها برای جلوگیری از نقض حقوق بشر در جهان است، تصویب کردند. در این میان چهار کشـور آمـریکا، اسـرائیل، جـزایـر مـارشـال و پالائـو بـا آن مخـالفت کردند و سه کشور ایران ، ونزوئلا و بلاروس به آن رأی ممتنع دادند.

تـشکیل شـورای حقـوق بشـر سازمان ملل موجی از امیدواری در نیروهای مترقی و سازمان های دفاع از حقـوق بشـر ایجـاد کرد. این نهادهـا تـاسیس شـورا را یک گام دیگر بـرای جهـانی کردن حقـوق بشر و حراست از حقوق انسانی و دموکراتیک می دانند.

تظاهرات ضد جنگ و نظامی گری درسراسر جهان

میلیون ها نفر از مخالفان جنگ در سراسر جهان در روز ۱۸ مارس، در سومین سالگرد حمله نظامی ایالات متحده و متحدان آن به عراق و اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳، در سراسر جهان به تظاهرات پرداختند. اعضاء و هواداران حزب توده ایران در کشورهای مختلف فعالانه در این آکسیون های صلح خواهانه و مترقی شرکت جستند.

شرکت کنندگان تظاهرات که بطوز همزمان در بیش از ۲۰۰ شهر اصلی جهان سازماندهی شده بود در شعار های خود بیزاری از سیاست های خونریز و ویران گرانه کشورهای امپریالیستی و مخالفت با تهدیدهای آمریکا برضد ایران را اعلام کردند.

موج های انسانی از شهر سیدنی، پایتخت استرالیا، تا میدان تایمز اسکوئر نیویورک، از توکیو در ژاپن تا پورتوریکو به خیابان ها ریخته بودند که به بوش و «محافظه کاران نو» در دولت آمریکا نشان بدهند که سیاست جنگ طلبی و نظامی گری محکوم و مطرود است. در توکیو« آکایو ناشیمورا»، عضو شورای شهر توکیو، در تظاهرات گفت: «جنگ عراق اشتباه بزرگ پرزیدنت بوش بود و تمامی جهان برضد آن است. عراق می بایست کنترل تحولات خود را بدست بگیرد.»

در سومین سالگرد اشغال عراق در ۵۰۰ شهـربـزرگ و کوچک آمریکا تظاهـرات و راهپیمائی علیه حمله آمـریکا برگزار شد. در راه پیمائی ضد جنگ در شهر سان فرانسیسکو حدود ۲۵۰۰۰ نفر شرکت داشتند. در بین تظاهر کنندگان از همه گروه سنی و اقشار اجتمـاعی دیده می شـدنـد. اکثر شعارها، پلاکاردها و پرچم ها ضد بوش و دولت وی بود. بوش استیضاح شود ، بوش را متوقف کنیم، خلع بوش، بوش را به زباله دان بیاندازیم (همراه با تصویر زباله دان)، از آن جمله بودند. شعارهای دیگر خواهان خروج آمریکا ازعراق، افغانستان و خاورمیانه بود. از دیگر شعارها دست آمریکا از دموکراسی ونزوئلا کوتاه ، جنگ نه، غذا آری، دلار نه برای جنگ، برای آموزش وپرورش بودند. در طول مسیر راه پیمائی پلیس بـا دور بین از تظاهـرات فیلم بـرداری می کردند. راه پیمائی در مقابل ساختمان شهرداری سان فرانسیسکو با شرکت و سخنرانی فعالان ضدجنگ و حقوق بشر به پایان رسید. ازجمله نیروهای شرکت کننده در تظاهرات شورای بین المللی سرخ پوستان بود که نماینده آنان به عنوان اولین سخنران پایان مراسم ضمن محکوم کردن حمله آمریکا به عراق به سابقه تـاریخی حملات آمـریکا به ملت هـای دیگر اشاره کرد. وی عنوان کرد که مبارزه بـا تـروریسم ، در واقع سرپوشی است برای هدف های تجاوز گرانه آمریکا.

در انگلستـان ده هـا هـزار نفـر از طـرفـداران صلح و ترقیخواهی به دعوت «ائتلاف برای پایان جنگ» در تظاهرات ضد جنگ پرشکوه لندن شرکت کردند. سازمان دهندگان تظاهـرات لـندن اعلام کردنـد که در این حـرکت اعـتراضی پرشکوه که از مقـابل پارلمـان انگلیـس آغـاز شـد و پس از راهپیمایی از خیابان های مرکزی لندن در میدان ترافالگار، در قلب لـنـدن، تجمع کرد، نـزدیک به ۱۰۰۰۰۰ نفـر شـرکت کردند. جمعی از مشهورترین چهره های سیاسی انگلستان و از جمله تـونی بن، وزیـر پیشین کابینه حزب کارگر در دهه ۱۹۷۰ میلادی و از مدافعان پایبند صلح و سوسیالیسم، جرمی کوربین، نماینده ترقی خواه پارلمان انگلیس، رهبر حزب سبز ها، رهبران اتحادیه های بزرگ انگلستان، در گردهمایی میدان ترافالگار سخنرانی کردند.

به دعوت رهبری «ائتلاف برای پایان جنگ» دکتر رکن الـدین خسـروی، استـاد تـرقیخواه هـنرهـای دراماتیک و کارگردان تئاتر ملی ایران، به نمایندگی از طرف کمیته دفاع از حقوق مردم ایران (کودیر) در گردهمایی میدان ترافالگار سخنرانی کرد.

سخنرانی دکتر رکن الدین خسروی- کارگردان سرشناس تئاتر ایران- لندن- ۱۸ مارس ۲۰۰۶

من افتخار دارم که از این پلاتفرم، و به نمـایندگی از طرف کمیته دفاع از مـردم ایران(کودیر)، درودهـای مبارزه جویـانه و همبستگی مـردم ایـران، صلح جویـان و اصلاح طلبان، مبارزان راه دموکراسی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر، اتحادیه های کارگری، نویسندگان و هنرمندان، و زنان ایران را به شما مخالفان جنگ و نظامی گری نثار کنم.

نو محافظه کاران حاکم در ایالات متحده که سودای کنترل منابع سرشار نفت و گاز منطقه خاورمیانه و طرح تسلط استـراتژیک بـر این منـطقه حسـاس را در سر می پرورانند و امروز با بهانه های واهی بار دیگر بر طبل جنگ دیگری می کوبند. در حالی که عواقب جنگ تجاوزگرانه و اشغال غیرقانونی عراق هنوز در پیش چشم جهانیان است، و موج ترور و جنایات تبهکارانه روزی نیست که صدها نفر از مردم بی گناه عـراق را به خـاک و خـون نکشد، کاخ سفید مردم ایران را به سرنوشتی مشابه تهدید می کند.

ما همچون همه نیروهای راستین مدافع دموکراسی و حقوق خلق های منطقه خاورمیانه با صدای رسا اعلام می کنیم که سیاست های ماجراجویانه و نظامی گرانه ایالات متحده آمریکا و متحدان آن در افغانستان، عراق، فلسطین را در تقـابل مـستقیم بـا خـواست خلق هـا بـرای گستـرش دمـوکراسی و آزادی واقعی می دانیم. ادعـای دولت هـای آمـریکا و انگلیس که در دهه هـای گذشته بـا کودتـاهـای خونین حکومت منتخب و دموکراتیک دکتر محمد مصدق را در ایران، حکومت ملی سوکارتو در اندونزی و دولت مردمی و متـرقی سـالـوادور آلـنده در شیلی را سـرنگون کرده انـد، بـر طرفداری از دموکراسی و حقوق بشر دروغی بیش نیست.

سیاست های مداخله جویانه ایالات متحده و متحدان اروپایی آن در حقیقت تنهـا به تـداوم حـاکمیت سـرکوب و خفقـانی کمک می کنـد، که در ایـران حـاکم است. اتفـاقی نیست که در گرماگرم سیاست ها و شعارهای عوام فریبانه ضد آمریکایی و پنهان شدن پشت شعار «منافع ملی ایران»، در زمینه بهره وری صلح آمیز از انرژی هسته یی، در ماه هـای اخیر هجوم بی سابقه یی بـر ضد جنبش مستقل کارگری و از جمله فعالان سندیکای اتوبوس رانی تهران، بر ضد جنبش دانشجویی و بر ضد همه نیروهای اصلاح طلب سازمان دهی شده است و در هیاهـوی شعارهـای تـوخالی

ادامه بیانیه شورای امنیت سازمان ملل متحد....

باز گردد و ما امیدواری زیادی داریم که ایران از فرصت استفاده کند و گفتگوها را از سر بگیرد و بار دیگر از فرصت استفاده می کنیم و از ایران می خواهیم تا تمام فعالیت های غنی سازی خود را به حال تعلیق درآورد و گفتگوها را انتخاب کند که اگر چنین کند تا آنجا که به ما مربوط می شود ما حق ایران را برای استفاده از انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز انکار نخواهیم کرد.»

عکس العمل نماینده ایران، در سازمان ملل متحد نسبت به بیانیه صادر شده نشانگر ادامه سیاست هایی است که در ماه های اخیر ایران را در عرصه جهانی در مواضع دشواری قرار داده است. حزب ما در ماه های اخیر مرتباً بر این اصل تأکید کرده است که راه بهره وری صلح آمیز از انرژی هسته یی از طریق تشدید تشنج بین المللی نیست. این چنین سیاست هایی حتی دوستان ایران را در موقعیت دشواری قرار می دهد.

ما باز تکرار می کنیم که محافل سیاست های ماجراجویانه رژیم ولایت فقیه و دولت جدید آن از یک سو و سیاست های امپریالیسم در منطقه که خواهان تحقق طرح «خاورمیانه بزرگ» است از سوی دیگر شرایط بسیار حساس و خطرناکی را برای کشور ما پدید آورده است که بی توجهی، غفلت و اتخاذ سیاست های نادرست می تواند عواقب بسیار دهشتناکی را به همراه داشته باشد. روشن است که محافل جنگ طلب کشورهای امپریالیستی مترصد موقعیت مناسب برای تشدید تشنج بین المللی در منطقه و کشاندن شورای امنیت سازمان ملل متحد به عکس العملل های تندتر در قبال ایران هستند. راه مقابله با این سیاست ها شعارهای تو خالی و عوام فریبانه نیست. راه برخورد با این خطرات اتخاذ سیاست های منطقی یی است که راه تشدید تشنج را سد کرده و افکار عمومی جهان را در مقابل سیاست های جنگ طلبانه امپریالیسم به حرکت درآورد. صدور بیانیه شورای امنیت تنها گام نخست در روند اتمام حجت با رژیم ولایت فقیه است. مواضع دولت روسیه و چین که تلاش کردند تا متن بیانیه را حتی المقدور تعدیل کنند نشانگر فشارهای شدیدی است که در شورای امنیت از سوی دولت آمریکا برای تشدید برخورد با ایران وجود دارد. ما قبلاً اشاره کرده بودیم که راه طی شده درباره عراق، پیش از حمله نظامی و اشغال این کشور، خصوصاً محاصره اقتصادی و اثرات مخربی که این محاصره بر این کشور برجای گذاشت، از جمله نابودی صدها هزار کودک، مسأله یی است که باید به آن اهمیت جدی داد. مذاکره در راه رسیدن به توافق درباره چگونگی امکان بهره وری صلح آمیز ایران از انرژی هسته یی یگانه راه حل معضل خطرناک کنونی و حفظ منافع ملی ایران در مقابل خطرات جدی یی است که میهن ما را تهدید می کند.

حزب تودهٔ ایران بار دیگر همه نیروهای ترقی خواه و ملی ایران به وحدت عمل برای مقابله با سیاست های ماجراجویانه محافل ارتجاع داخلی و نیروهای جنگ طلب امپریالیسم که خواهان دخالت آشکار در امور داخلی کشور ما هستند فرا می خوانند. باید راه تشدید تشنج و درگیری را از طریق اتخاذ سیاست های منطقی و صلح طلبانه مسدود ساخت.

ادامه تظاهرات ضد جنگ در ....

«ضد آمریکایی» دولت احمدی نژاد یکی از ارتجاعی ترین بودجه های دولتی سال های اخیررا، در راستای منافع سرمایه داری بزرگ و گروه ها و نهادی های وابسته به آنان، به همراه یک سری سیاست های ضد مردمی ارائه داده و در حال پیاده کردن آنهاست. دو هفته قبل تظاهرات صلح آمیز روز ۸ مارس زنان مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفت و شاعر مشهور ایران، سیمین بهبهانی ۸۰ ساله به شدت مضروب شد. بدیهی است که نیروهای مترقی و آزادی خواه ایران به شدت مخالف هرگونه مداخله امپریالیسم در امور داخلی کشورهستند و با تمام توان با چنین سیاست هایی مخالفت می کنند ولی این موضع گیری اصولی نمی تواند جای خود را به دفاع از رژیمی بدهد که مهم ترین سد راه پیشرفت کشور ما به سوی آزادی، دموکراسی، صلح، استقلال واقعی و عدالت اجتماعی است. برای نیروهای مترقی و پیشروی ایران مبارزه بر ضد امپریالیسم معادل مبارزه با خطر جنگ و مقابله با نفوذ سرمایه داری انحصاری، مبارزه با هژمونی طلبی امپریالیسم است. برای کسانی که حوادث میهن ما را در دهه های اخیر از نزدیک دنبال کرده اند روشن است که سیاست های رژیم حاکم در عمده ترین خطوط تقابلی اساسی با سیاست های سرمایه داری انحصاری ندارد. سران رژیم در دهه های گذشته به دفعات نشان داده اند که مواضع «ضد آمریکایی» و «ضد غربی» آنها عمدتاً ابزاری است سیاسی برای انحراف افکار عمومی درون کشور و مقابله با نیروهای مخالف و اپوزیسیون ضد استبدادی. مردم ایران فراموش نکرده اند در حالی که سران رژیم، همچون رفسنجانی و خامنه ای در سخنرانی های خود، در دهه ۱۳۶۰، شعارهای ضد آمریکایی سر می دادند در همان حال مشغول مذاکرات پنهانی با سرهنگ نورث، فرستاده ویژه دولت آمریکا بودند و سلاح های جنگی خود را از دولت آمریکا، اسراییل و رژیم نژاد پرست وقت در آفریقای جنوبی خریداری می کردند. ما معتقدیم که تهدید به جنگ و مداخله خارجی، تهدید به اعمال تحریم اقتصادی برضد ایران مستقیماً به ضرر نیروهای دموکرات و اصلاح طلب کشور و در خدمت مستحکم کردن مواضع تمامیت خواهان در حاکمیت است. ما به موازات محکوم کردن رژیم دیکتاتوری حاکم در ایران، سیاست های ماجراجویانه ایالات متحده در خاورمیانه را نیز بر خلاف منافع خلق های منطقه ارزیابی می کنیم و خواهان مقابله با آن هستیم. ما چون دموکراتیم، صلح طلبیم. ما با شما در فریاد برای صلح در خاورمیانه هم صدا هستیم.

ادامه امید سرخ ....

سوسیال دموکرات تغییر یافت و از آن زمان شدیداً به راست چرخید. موری هارا می گوید: البته، در مورد مسائل ویژه ای، می توانیم با احزاب و حتی افراد مختلف همکاری داشته باشیم، اما، در این لحظه، چشم انداز واقعی برای یک دولت ائتلافی دموکراتیک وجود ندارد. ولیکن، جنبش (ضد نظامیگری) حمایت از ماده ۹ قانون اساسی، امکان همکاری وسیعی را فراهم می آورد. ملاقات و مذاکراتی بین رهبران حزب کمونیست و حزب سوسیال دموکرات پیرامون مخالفت با نظامی گری انجام گرفته است." حزب کمونیست همچنین به این توجه دارد که درون احزاب لیبرال دموکرات، دموکرات و کومیتو نیروهای محتاطی وجود دارند که نسبت به عکس العمل افکار عمومی داخلی و جهانی در مورد نظامی شدن دوباره ژاپن حساس ونگران هستند. از نظر حزب کمونیست دیدار پر سرو صدای نخست وزیر، کوزومی، از معبد و موزه «یازاکانی» که کشته شدگان جنگ، و منجمله جنایتکاران درجه اول جنگی، را مقدس و شایسته پرستش می داند، بخشی از کارزار گسترده برای بازنویسی تاریخ جنگ تجاوزگرانه ژاپن در آسیا است . در اوائل سال «تارو اسو»، وزیر امور خارجه و جانشین احتمالی کوزومی، در سخنرانی خود در شهر ناگویا، از امپراطور خواست که از معبد دیدن کند. وی گفت : ارواح جان باختگان در جنگ، فریاد می زنند زنده باد امپراطور، هیچکدام نمی گویند زنده باد نخست وزیر. سخنرانی به خوبی عطش جنگ طلبی را نشان می دهد. در حالیکه امیدی برای یک دولت ائتلافی دموکراتیک در آینده نزدیک وجود ندارد، به باور حزب کمونیست رشد روزافزون مشکلات اقتصادی و اجتماعی به رادیکال شدن مردم خواهد انجامید. حزب کمونیست با بدست آوردن نزدیک به ۵ میلیون رای در انتخابات گذشته، قادر است نقشی کلیدی در بدور نگاه داشتن ژاپن از میلیتاریسم و منافع انحصارها، ایفا کند.

به قلم کنی کویل، خبرنگار کمونیست انگلیسی – روزنامه چپ « مورنینگ استار»

ادامه مبارزه برای آینده یی ....

کردند. روز ۱۵ مارس روسای دانشگاه ها که در شهر «نانت» برای کنگره خود گرد آمده بودند به متنی رای دادند که در آن تاکید شده است که آن ها خود را «در نگرانی دانشجویان به آینده شان شریک می دانند.» و به همراه آن فراخوانی است برای همگان جهت جستجوی یک «راه حل». متن «پیشنهاد» آن ها با آرا وسیع به تصویب رسید، یعنی از ۴۸ نفر حاضر در اجلاس ۴۶ نفز با آن موافق بودند. اما نخست وزیر که چندین بار از طرف رئیس جمهور مورد حمایت قرار گرفته است، اظهار می داردکه: «راه مذاکره در چهارچوب قانون برای بهتر کردن «قرارداد نخستین استخدام» گشوده است.» در حالیکه مخالفان پس گرفتن بی قید و شرط آن را می خواهند. نخست وزیر و تمام وزیران کابینه او با استفاده از یک ماده قانونی کهنه شده خواستار تصویب لایحه بدون هیچگونه بحث و گفتگوی پارلمانی شدند. جالب است که از یکطرف پیشنهاد گفتگو می دهند و از سوی دیگر حتی نمایندگان مجلس را از بحث منع می کنند. در همین رابطه دولت فرانسه در هفته گذشته طرح های موذیانه و شناخته شده ای را برای ایجاد تفرقه در صفوف مخالفان به کار گرفت. به گزارش رسانه ها دولت سعی دارد از سویی با تحریکات و بهره گیری از عملکرد مشکوک در حمله به ساختمان ها و اتومبیل ها و واژگون کردن و به آتش کشاندن آن ها (که شواهدی از دست داشتن نیروهای امنیتی در آن وجود دارد) ابتدا جنبش جوانان و دانشجویان را منزوی ساخته و سپس مورد هجوم قرار دهد. اغراق نخواهد بود اگر به این مبارزه جسورانه جوانان و مردم فرانسه عنوان «نبرد مرگ و زندگی» داده شود. و با چنین انگیزه ای بود که روز ۱۸ مارس یک و نیم میلیون نفر در سراسر فرانسه در خیابان ها خواست متحد خود مبنی بر کنار گذاشتن طرح« قرارداد نخستین استخدام» را فریاد زدند. پس از آن نیز جنبش به اشکال مختلف ادامه یافته و باز هم ادامه دارد. روز سه شنبه ۲۸ مارس طبق برنامه و در پاسخ به سماجت بی سابقه دولت سرمایه داران، یک روز اعتصاب و تظاهرات ملی سراسری در فرانسه سازماندهی شد. در تدارک برای موفقیت جنبش اعتراضی قدرتمند مردم و رویاندن آن به مرحله کیفی بعدی دوازده سازمان و سندیکای دانشجویان و دانش آموزان به همراه سندیکاهای کارگری با هم همکاری کردند.

خشونت پلیس و عکس العمل غیرعادلانه دستگاه قضائی

رفتار پلیس در تمام این مدت با خشونت همراه بوده است. نخستین عمل خشونت آمیز بیرون ریختن دانشجویان معترض دانشگاه سوربن پاریس بود و پس از آن اینجا و آنجا حمله به تظاهرکنندگان با باتون و گاز اشک آور به همراه مشت و لگد به امری عادی بدل شده است. آخرین خشونت حمله وحشیانه به یک عضو سندیکای پست و تلگراف و تلفن جنوب فرانسه،«پ.ت.ت.جنوب»، بود که در وسط میدانی تنها مانده بود. او ابتدا مورد حمله یک پلیس ضد شورش «ث.اس.آر.» قرار گرفت. وقتی اولین پلیس با مشت و لگد به او حمله کرد، مضروب به زمین افتاد. در این زمان ده نفر دیگر از پلیس ضد شورش سر رسیدند و دست بکار شدند. مصدوم به حال اغماء افتاد. پس از آن پلیس ها میدان را ترک کردند بدون آنکه به امدادگران و یا ماموران آتش نشانی خبردهند. فقط به کمک شاهدان عینی بود که مصدوم بعد از بیست دقیقه- به بیمارستان رسانده شد. یک شاهد عینی که در محل حادثه حاضر بود، شرح واقعه را با دقت بیان داشت. او همچنین توانست از صحنه به مدت چهل ثانیه فیلم بردارد. تعداد مجروحین که همواره با باتون و مشت و لگد و یا گاز اشک آورمورد حمله قرار می گرفتند، زیاد است.اما رفتار دستگاه قضائی نیز گفتنی است. پلیس عده زیادی را دستگیر و توقیف کرده است. پرونده بسیاری از آن ها سریعاً به دادگستری سپرده و پاره ای از آن ها به حبس تعلیقی محکوم شده اند. به هرحال این نبرد حساس ادامه دارد. نتیجه این نبرد هر چه باشد، این به وضوح آشکار است که این پایان کار نیست. تا زمانی که سرمایه داری بر جامعه ای حکومت می کند، مبارزه طبقاتی در اشکال مختلف و با شدت و ضعف ادامه خواهد داشت.

امید سرخ — نظری به مبارزات حزب کمونیست ژاپن

کمونیست های ژاپن در بیست و چهار مین کنگره حزب، که در ماه ژانویه، در توکیو برگزار شد تعیین یک مسیر دیگر را برای کشور در دستور کار خود قرار دادند.«کیمیتوشی موری هارا»، مسئول بخش بین المللی حزب، در سخنرانی خود در کنگره گفت که حزب کمونیست ژاپن تنها حرب اپوزیسیون قابل اعتماد کشور است. حزب در حال حاضر با چالش ها و نیز همچنین فرصت های مناسبی روبرو می باشد.موری هارا می گوید: «اعضای حزب از آخرین کنگره، یعنی دوسال پیش تا بحال همچنان ثابت مانده است (۴۰۰،۰۰۰). اما، تعداد خوانندگان روزنامه ارگان حزب، «آکاهاتا»، حدود ۲۰۰،۰۰۰ نفر کاهش یافته و به ۱.۶میلیون نفر رسیده است.» حزب کمونیست ژاپن تمام کوشش خود را بر مبارزه بر ضد تلاش راست گرایانه بازنویسی قانون اساسی، و مخالفت با سیاست های اقتصادی نو لیبرالی حزب حاکم (حزب لیبرال دموکرات) و حصول موفقیت چشمگیردر تقویت توان حرب متمرکز کرده است. کنگره از خود برای ضعف کار حزبی و عدم برنامه ریزی جهت افزایش اعضا به نیم میلیون نفر، انتقاد کرد. رفیق موری هارا می افزاید: «بعضی ار بخش های حزب پیشرفت هائی در کار خود داشتند ولی این در واقع سراسری نبود. کنگره از حزب خواست تا هرچه بیشتر توجه خود را معطوف ساختار های پایه ای حزب و اعضای آن ها بنماید.چگونگی جذب اعضا و هواداران جدید موردی بود که حزب به بحث بیشتر موکول کرد.» علاوه بر «لیگ جوانان دمکرات»، سازمان جوانان حزب، سعی می شود فضای مناسبی درون ساختار حزبی برای رفقای جوان تر در نظر گرفته شود. موری هارا می گوید: «برقراری ارتباط بین رفقا از نسل های مختلف کار چندان آسانی نیست. ما شاخه های سازمان جوانان حزب را در نقاطی مانند مناطق مسکونی؛ مراکز کاری و در میان دانشجویان بوجود آوردیم تا اعضای جوانتر بتوانند فعال باشند. در دانشگاه ها شاهد موفقیت های مشخص بوده ایم.» یکی از مشکلاتی که جنبش کارگری ژاپن با آن روبرو است کاهش اشتغال قابل اتکا و ثابت می باشد. موری هارا هم چنین می افزاید : مشکل بیکاری در میان جوانان بسیار حادتر از گذشته است، بسیاری از جوانان نمی توانند جز کار نیمه-وقت و یا موقت اشتغال دیگری پیدا کنند. قرارداد های کوتاه مدت با وجود صدمات و تهدیدات ناشی از آن، متداول تر می شود. روزنامه ارگان حزب ده دفتر درخارج از کشور منجمله در پکن و هانوی دارد. حزب کمونیست ژاپن، بعد از حدود دو دهه روابط خود را با حزب کمونیست چین از سر گرفته و تجربه رفرم را در چین و ویتنام به دقت مورد مطالعه قرار داده است. موری هارا می گوید :ما، مایلیم بدانیم که چین و ویتنام چگونه می خواهند از طریق اقتصاد بازار به سوسیالیسم دست یابند. ما فکر می کنیم برای ما به مثابه سوسیالیست و کمونیست بسیار مهم است که درک عمیقی از چگونگی دستیابی به سوسیالیسم داشته باشیم. روابط با کره شمالی نیز از سالهای ۱۹۶۰ قطع شده و هنوز پیوند نخورده است. اما، حزب کمونیست ژاپن با گروه های کره ای ساکن ژاپن، منجمله چانگ ریان، که یک انجمن هوادار کره شمالی است، ارتباط برقرار کرده است. به باور حزب کمونیست، کره شمالی، بعد از توضیحات گنگ و مبهم پیانگ یانگ در مورد سرنوشت چند شهروند ناپدید شده ژاپنی، موقعیت خوبی را که برای عادی کردن روابط خود با توکیو به وجود آمده بود، را از دست داد. جریان ناپدید شدن (ربودن) چند ژاپنی یکی از سه مورد اختلاف عمده است، دو مورد دیگر یکی مساله موشک و امنیت هسته ای و دیگری مربوط می شود به استعمار کره شمالی از طرف ژاپن. موری هارا تاکید می کند که حزب خواهان عادی شدن روابط است. بدون شک یکی از مشکلات بزرگ حزب کمونیست ژاپن نداشتن متحدی در میان احزاب سیاسی عمده کشور است. علاوه بر حزب لیبرال دموکرات (حزب نخست وزیر، کوی زومی)، می توان از حزب دمکراتیک ژاپن، حزب سوسیال دمکرات و حزب بودائی «شین کومیتو» (حزب دولت پاک جدید) نام برد. حزب دموکراتیک ژاپن که حزب اصلی اپوزیسیون است، توسط اعضای ناراضی حزب لیبرال دموکرات تاسیس شده است، و از نظر حزب کموتیست تفاوت اساسی با حزب لیبرال دموکرات ندارد. حزب «شین کومیتو»، شاخه سیاسی کاستِ «سوکا گاکی» است که با وجود ماهیت و اسم مذهبی، معمولا با راست همراه بوده. و در حال حاضر در ائتلاف با حزب لیبرال دموکرات نخست وزیر کویزومی قرار دارد.در گذشته، درون حزب سوسیالیست ژاپن، جناح چپ و همچنین جناح فرصت طلب ضد کمونیست وجود داشتند، اما، چند سال پیش، اسم حزب به حزب

ادامه در صفحه ۶

پیکاری بزرگ برای آینده

خیابان های اکثر شهر های فرانسه در هفته های اخیر صحنه تظاهرات اعتراضی مردم و به ویژه جوانان این کشور بوده است. این جنبش اعتراضی مردمی که آخرین برآیند آن اعتصاب ملی و سراسری در روز ۲۸ مارس بود، و انتظار می رود تا به نتیجه رسیدن درخواست زحمتکشان ادامه یابد، را باید از زنجیره مبارزات مردم فرانسه برضد سیاست های راست دولت حاکم بر این کشور قدرتمند اتحادیه اروپا دانست.

دولت دست راستی فرانسه، در راستای سیاست های مصوب اتحادیه اروپا، برای پیاده کردن یک سیاست لیبرالی کامل و برای بازپس گرفتن تمام دستاوردهای سالیان طولانی مبارزه سخت و دشوار خلق، در همه جهات و قلمروهای اقتصادی و اجتماعی مانند بازنشستگی، آموزش و پرورش، بهداشت، دستمزدها و نیز خصوصی سازی بنگاه ها و شرکت عمومی و همگانی همچون برق، گاز، تلفن، حمل و نقل به دگرگون سازی های (یا رفورم) اساسی و برنامه ریزی شده، مشغول بوده است. این به اصطلاح رفورم ها به ویژه پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲ زمینه مساعد و پر شتابی یافته است. در آنسال با رسیدن ژان ماری لوپن، رهبر نژاد پرست و شبه فاشیستی «جبهه ملی»، به دور دوم انتخابات، زنگ خطر برای تمام مردم فرانسه به صدا در آمد. در یک کلمه تمام دموکرات های فرانسه یعنی اکثریت مطلق خلق یکپارچه بپا خاسته و رای خود را به ژاک شیراک دست راستی، یعنی تنها امکان موجود، دادند. و او نیز با بهره گیری حساب شده از جو موجود مجلس را منحل و در انتخابات برای مجلس جدید، راست اکثریت مطلق و شکننده ای را به دست آورد. زمینه برای تهاجم سرمایه داری لیبرالی کاملاً آماده شده بود. به سرعت قوانین تازه یکی پس از دیگری از ماشین رای گیری مجلس گذشت و همراه آن مبارزه مردم نیز شروع شد. حمله به حقوق و مزایای اجتماعی مردم نخست از مزایای بازنشستگی شروع شد. سن و طول خدمت برای رسیدن به بازنشستگی زیاد شد و مزایا کم. پس از آن نوبت آموزش و پرورش، بهداشت، و بیمه های اجتماعی و.... بود. همزمان با آن خصوصی سازی ها در شرکت های تلفن، گاز، و برق ... شروع شد. بدیهی است که اگر این «اکثریت» پارلمانی نبود، دولت دست راستی نمی توانست به این راحتی برنامه های خود را پیاده کند. همزمان مبارزه زحمتکشان و همه مردم در خارج از مجلس به شدت جریان داشت و هرگام دولت با اعتصاب ها، تظاهرات راه پیمایان و اشکال دیگر مبارزه و اعتراض همراه بود. و فقط آن اکثریت کذائی کار خود را می کرد. نگاهی به رفراندوم ۲۹ ماه مه سال ۲۰۰۵ در باره «قانون اساسی اروپا» نشان دهنده آنست که آنجا که ماشین رای گیری مجلس معطل می ماند، چه پیش خواهد آمد. دولت که تصور می کرد زمینه برای کسب رای موافق در رفراندوم آماده است، برای مشروعیت بخشیدن بیشتر به «قانون ...» راه همه پرسی را انتخاب کرد. در حقیقت در آغاز کار نیز کفه ترازو به نفع «آری» بسیار سنگین بود ولی به تدریج و پس از روشن شدن حقیقت و افشاگری های ثمر بخش به خصوص از جانب حزب کمونیست فرانسه و متحدانش سرانجام مردم پیروز شدند (باید گفت که رهبری حزب سوسیالیست فرانسه در این کارزار با راست همراه شد و به شدت برای به تصویب رساندن «قانون...» می کوشید). این واقعیت نشان می دهد که مبارزه مردم در جای خود، کار ساز است و آثار خود را برجای می گذارد. دولت دست راستی در ماه های اخیر پیاده کردن سیاست به شدت ارتجاعی ای را هدف قرار داده است که خطر بزرگی را متوجه آینده جوانان کرده و به ویژه شرایط اشتغال آنان در بازار کار را مورد تهدید قرار می دهد. دولت «دومی نیک دوویلن» طرح قانونی ای تحت عنوان «قرارداد نخستین اشتغال» با علامت اختصاری (سی.پی.ای.)، ظاهراً برای ایجاد اشتغال برای جوانان کمتر از ۲۶ سال تهیه و به مجلس ارائه داد. این طرح نه تنها آینده جوانان را تیره و تار می سازد بلکه عملاً و خود به خود کلیه قوانین و مقررات تصویب شده ای را که تاکنون بر روابط کارگر و کارفرما حاکم بوده، را زیر علامت سئوال می برد و کاملاً نفی می کند. به موجب این طرح جوانان زیر ۲۶ سال با یک قرارداد دو ساله به استخدام در می آیند و پس از دو سال این قرارداد خود به خود به پایان می رسد و طرف قرارداد بدون هیچگونه حقی و یا غرامتی بیکار می شود، و بدتر از آن، اینکه در طول این دو سال کارفرما حق دارد هر لحظه که بخواهد، بدون ارائه هیچ توجیه و دلیلی، حتی بدون اخطار قبلی و بدون پرداخت غرامت طرف قرارداد را از کار برکنار سازد. وحشتناک است اما واقعیت دارد! سخنان یکی از دانشجویان در این باره جالب است: «آخرین باری که من در یک تظاهرات اعتراضی شرکت کردم علیه «لوپن» بود زیرا من خواهان و پذیرای یک جامعه نژادپرست نیستم. امروز برای این در تظاهرات شرکت می کنم که نمی خواهم هرلحظه ایکه کارفرما بخواهد بیکار شوم.» و یا سخنان دبیر جنبش جوانان کمونیست نیز بسیار روشنگر است که می گوید: «می خواهند جوانان را به سربازان اقتصادی مبدل سازند که هیچ اختیاری نخواهند داشت.» طبعاً چنین طرحی نمی توانست بدون عکس العمل بماند و مبارزه جانانه ای همراه نداشته باشد. واقعیت آنست که فرانسه چند سالی است، به ویژه از سال ۲۰۰۲، در تب و تاب حاد یک مبارزه طبقاتی تمام عیار است، مبارزه ای که در تمام جبهه ها ادامه دارد.

آغاز مبارزه

مبارزه روز ۲۳ فوریه با تظاهرات پنج هزار نفری دانشجویان پاریس آغاز شد و به سرعت به شهر های دیگر کشانده شد. طولی نکشید که دانش آموزان دبیرستان ها به دانشجویان پیوستند و پس از آن به سرعت کارگران شاغل، پدران، مادران، بیکاران و دیگران به میدان آمدند. دامنه تظاهرات هر روز گسترده تر شد تا در روز ۱۸ مارس یک میلیون و پانصد هزار نفر در سراسر فرانسه به تظاهرات و راه پیمایی پرداختند. پی آمدهای «طرح» دولت آنقدر مهم و نامطلوب و آشکار، و عواقب آن چنان وخامت بار و آینده جوانان در نتیجه آن چنان تیره و تار است که نیازی به توضیح ندارد. دولتی که جوانان جان به لب رسیده حاشیه نشین را که در تابستان گذشته از فرط استیصال به طغیان کشانده شدند، فقط به چشم شورشیان می نگریست، و هنوز هم می نگرد، و با استقرار حالت اضطراری (یعنی حکومت نظامی) آنان را مجبور به سکوت کرد، امروز ادعا می کند که گویا به خاطر آنها اقدام به تهیه این طرح کرده است. ولی با چه شیادی می بایست این ادعا را توجیه کرد که جوانان بیکار و یا شاغل از این «به آسانی بیکار شدن» خرسند و از دولت ممنون باشند. شرکت وسیع جوانان حاشیه نشین محروم همراه با دوستان دانشجو و دانش آموز خود موید آن است که دولت نتوانسته است که هیچ کسی را با این ترفندها فریب دهد.

تمام نظرسنجی ها نشان می دهد که مخالفت با پروژه حکومتی جنبه عمومی دارد و اکثر اقشار اجتماعی از آن حمایت می کنند، و اینکه بخش های کلیدی تمام نسل ها از جوانترین تا سالخورده ترین مدافع خواسته های جنبش کنونی هستند. مثلاً بر اساس یک نظرسنجی در ۱۹ مارس ۶۳ درصد فرانسویان از این جنبش حمایت می کنند. به علاوه این نیز جالب و بسیار معنا دار است که اکثریت روسای دانشگاه ها حمایت خود را از جنبش اعلام

ادامه در صفحه ۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.

شمارهٔ حساب 790020580

کد بانک 10050000

بانک Berliner Sparkasse

30 March 2006

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما

۰۰ – ۴۹ – ۳۰ – ۳۲۴۱۶۲۷

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. http://www.tudehpartyiran.org
4. E-mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom-NO 735
Central Organ of the Tudeh Party of Iran